

حریم خصوصی خانواده در سیاست جنایی اسلامی: مبانی فقهی و راهبردهای حمایتی

خدیجه حامدی^۱

طوبی شاکری گلپایگانی^۲

چکیده

حریم خصوصی خانواده، به عنوان یکی از ارکان بنیادین نظام حقوقی اسلامی، در سیاست جنایی خرد نقشی محوری دارد. این پژوهش با هدف تبیین مبانی فقهی و راهبردهای حمایتی حریم خصوصی در حقوق کیفری خانواده، به تحلیل عقلانی قواعد فقه جزا و انطباق آن‌ها با نیازهای معاصر می‌پردازد. با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و بررسی منابع فقهی، قوانین ایران و مطالعات تطبیقی با نظام حقوقی کانادا، این مطالعه نشان می‌دهد که مبانی فقهی مانند مصلحت عامه، سیره عقلا، اصل عدم ولایت، قاعده تسلیط، و قواعد منع تجسس، فراش، و درء، چارچوبی منسجم برای محدودسازی مداخله دولت ارائه می‌دهند. این چارچوب، با تأکید بر احکام حکومتی و نقش مصلحت در تنظیم دخالت حاکم اسلامی، تعادل بین حقوق فردی و مصالح عمومی را تضمین می‌کند. یافته‌ها حاکی از آن است که سیاست جنایی اسلامی با ترویج راهبردهایی چون میانجی‌گری، داوری خانوادگی تحت نظارت حاکم، حفظ حرمت خانه، و کیفرزدایی، کرامت و قداست خانواده را حفظ می‌کند. با این حال، چالش‌هایی مانند تعارض میان حریم خصوصی و حمایت از قربانیان نیازمند بازنگری تقنینی و تقویت سازوکارهای غیرکیفری است. این پژوهش پیشنهاد می‌دهد که تدوین آیین‌نامه‌های دقیق برای تنظیم مداخله دولت و تقویت نهادهای داوری خانوادگی، با الهام از مصادیق فقهی مانند دخالت

۱. کارشناسی ارشد حقوق زن در اسلام، دانشجوی مقطع دکتری حقوق و دانش پژوه مقطع سطح ۴، رشته

فقه خانواده، موسسه آموزش عالی رفیعه المصطفی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

kh90.hamedi@gmail.com

۲. دانشیار، فقه و حقوق جزا، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران . d.t.shakeri@gmail.com





حاکم در نکاح ، تعادل میان مصالح عمومی و حقوق فردی را بهبود می بخشد. تحلیل تطبیقی نشان می دهد که سیاست جنایی اسلامی، برخلاف نظام های فردمحور مانند کانادا، با رویکردی خدامحور و مبتنی بر مصلحت، چارچوبی رقابتی ارائه می دهد.

واژگان کلیدی: حریم خصوصی خانواده، سیاست جنایی اسلامی، مبانی فقهی، داوری خانوادگی، تحلیل تطبیقی حقوقی.

مقدمه

خانواده در نظام حقوقی اسلامی نهادی مقدس و مایه آرامش معرفی شده است (روم: ۲۱). حریم خصوصی خانواده، به عنوان سپری در برابر تعرضات خارجی، نه تنها کرامت انسانی را حفظ می‌کند، بلکه با صیانت از نظم خانوادگی، به انسجام اجتماعی کمک می‌رساند. سیاست جنایی اسلامی، که ریشه در عقلانیت فقهی و مقاصد شریعت (حفظ دین، نفس، نسل، عقل، مال) دارد، مداخله دولت در این حریم را به موارد ضروری محدود می‌کند. تحولات اجتماعی، گسترش فناوری، و پیچیدگی روابط عمومی و خصوصی، چالش‌هایی را در تطبیق قواعد فقهی با نیازهای معاصر ایجاد کرده است. برای مثال، جرم‌انگاری گسترده در حوزه خانواده (مانند ترک انفاق یا خشونت خانگی) گاه با اصل حفظ حریم خصوصی در تعارض قرار می‌گیرد.

مطالعات پیشین، هرچند در تحلیل قواعد فقهی (مانند درء یا لاضرر) یا جرایم خانوادگی ارزشمند بوده‌اند، کمتر به تبیین کل نگر حریم خصوصی در سیاست جنایی اسلامی پرداخته‌اند. سؤال اصلی این پژوهش این است: مبانی فقهی و قواعد فقه جزا چگونه می‌توانند چارچوبی عقلانی برای حمایت از حریم خصوصی خانواده در سیاست جنایی اسلامی ارائه دهند؟ فرضیه پژوهش بر این است که سیاست جنایی اسلامی، با تکیه بر مبانی فقهی مانند مصلحت عامه و قواعد منع تجسس، فراش، و درء، قادر به ارائه راهبردهای حمایتی است که مداخله دولت را حداقلی و مبتنی بر ضرورت می‌سازد. هدف این مطالعه، تبیین مبانی نظری و عملی این چارچوب و ارائه پیشنهادها برای رفع خلأهای تقنینی است. نوآوری پژوهش در تلفیق مبانی فقهی با ابزارهای حقوقی مدرن (مانند میانجی‌گری) و ارائه چارچوبی جامع برای سیاست‌گذاری در حوزه زن و خانواده نهفته است.

روش‌شناسی

این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای استفاده می‌کند. داده‌ها از متون فقهی امامیه، قوانین ایران و مطالعات تطبیقی گردآوری شده‌اند. تحلیل محتوا با تمرکز بر قواعد فقهی (منع تجسس، فراش، درء، تسلیط) و انطباق آن‌ها با سیاست جنایی خرد انجام



شده است. معیارهای تحلیل شامل انطباق با مقاصد شریعت، عقلانیت فقهی و کارآمدی عملی در نظام حقوقی ایران است. همچنین، مصادیق عملی دخالت حاکم اسلامی در دعاوی خانوادگی (مانند نکاح و طلاق) از منابع فقهی استخراج شده تا راهبردهای سیاستی را غنی‌تر کند (بلغه الفقیه، ج ۳، ص ۲۱۵).

مبانی نظری: حریم خصوصی خانواده در سیاست جنایی اسلامی

حریم خصوصی خانواده، به عنوان یکی از ارکان بنیادین نظام حقوقی اسلامی، نه تنها کرامت انسانی را حفظ می‌کند، بلکه با صیانت از نظم خانوادگی، به انسجام اجتماعی کمک می‌رساند. سیاست جنایی اسلامی، که ریشه در عقلانیت فقهی و مقاصد شریعت دارد، چارچوبی برای تنظیم مداخله دولت در این حوزه ارائه می‌دهد. این بخش با هدف تبیین مفاهیم کلیدی حریم خصوصی، سیاست جنایی اسلامی و مقاصد شریعت، پایه نظری پژوهش را شکل می‌دهد. این مفاهیم، با تلفیق مبانی فقهی و اصول حقوقی مدرن، چارچوبی کل‌نگر برای حمایت از حریم خصوصی خانواده فراهم می‌کنند.

مفهوم حریم خصوصی

حریم خصوصی به قلمرویی از زندگی فرد اطلاق می‌شود که نوعاً یا عرفاً انتظار دارد دیگران بدون رضایت او در آن مداخله نکنند، مفهومی که ریشه در فطرت انسانی و مبانی شرعی دارد. در لغت، «حریم» در عربی به معنای چیزی است که نزدیک شدن به آن ممنوع بوده و حرمت دارد، مانند اطراف اموال غیرمنقول (مانند حریم چاه یا خانه) یا جان، آبرو، و خانواده که دفاع از آن‌ها واجب است (ابن منظور، ۱۴۲۱ هجری قمری، جلد ۱۲، صفحه ۱۲۵؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۲ هجری قمری، ذیل ماده حرم). واژه «خصوصی» نیز به معنای اختصاصی و مقابل عمومی است، مانند جلسات محدود به افراد خاص (دهخدا، ۱۳۷۳، ذیل ماده خصوصی). در فقه اسلامی، اگرچه اصطلاح «حریم خصوصی» به صراحت ذکر نشده، آیات قرآنی مانند آیه ۱۲ سوره حجرات («ولا تجسسوا») و آیه ۲۷ سوره نور («لا تدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم حتی تستأنسوا») بر

ممنوعیت کنکاش در امور خصوصی و حفظ حرمت خانه تأکید دارند (قرآن کریم). شیخ حر عاملی (۱۴۰۹ هجری قمری، جلد ۱۲، صفحه ۲۴۵) نیز روایاتی را نقل می‌کند که ورود بدون اجازه به منزل را حرام دانسته و حریم مکانی را به عنوان بخشی از حریم خصوصی برجسته می‌سازد.

در اصطلاح فقهی و حقوقی، حریم خصوصی شامل حوزه‌هایی است که مداخله دیگران در آن‌ها بدون رضایت صاحب حق ممنوع است و در دو بعد اقتصادی (مرتبط با اموال) و اخلاقی (مرتبط با جان، آبرو، و خانواده) بررسی می‌شود. در فقه، علامه حلی (۱۳۸۸ هجری قمری، صفحه ۴۱۳) حریم مال را فضایی تعریف می‌کند که برای انتفاع کامل از مال ضروری است، در حالی که حریم انسان شامل جان، آبرو، و اهل و عیال اوست که دفاع از آن‌ها واجب است (مجلسی، ۱۴۰۳ ق ج ۲۹، ص ۲۸۴؛ خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۶۳). در نظام حقوقی ایران، حریم خصوصی در سه بعد تعریف می‌شود: تمامیت جسمانی (حفاظت از بدن در برابر تعرض)، حریم مکانی (مانند منزل، ماده ۶۹۴ قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲)، و حریم اطلاعاتی (ممنوعیت افشای اسرار، ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲). خانواده به دلیل جایگاه مقدسش در قرآن (سوره روم، آیه ۲۱) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و نیازمند صیانتی است که مداخله دولت را به حداقل برساند. حقوق دانان غربی نیز حریم خصوصی را به عنوان حق خلوت یا محرمانه ماندن امور شخصی تعریف کرده‌اند؛ برای مثال، وین فیلد آن را محرمانه بودن خصوصیات شخص یا مال از انظار عمومی می‌داند (هارلو، ۱۳۸۳، ص ۱۶۳). با این حال، فقدان تعریف واحد در میان حقوق دانان نشان‌دهنده پیچیدگی این مفهوم است (انصاری، ۱۳۸۶، ص ۳۸).

حریم خصوصی مفهومی نسبی است که تحت تأثیر عوامل فرهنگی، اجتماعی، و تاریخی قرار دارد و در نظام‌های حقوقی مختلف به صورت متفاوتی تبیین می‌شود. در نظام حقوقی کانادا، حریم خصوصی خانواده تحت قانون منشور حقوق و آزادی‌ها (۱۹۸۲) حمایت شده و مداخله دولت به موارد ضروری مانند جلوگیری از خشونت خانگی محدود می‌شود (قانون منشور حقوق و آزادی‌های کانادا، ۱۹۸۲). در مقابل، سیاست جنایی اسلامی با رویکرد خدامحور، حریم خصوصی را تحت نظارت مصلحت عامه و احکام حکومتی تنظیم می‌کند (بحرانی، ۱۴۱۵ هجری



قمری، ج ۵، ص ۳۴). کمیسیون بین‌المللی حقوق دانان (۱۹۶۷) حریم خصوصی را حق خلوت تعریف کرده و مصادیقی مانند مصونیت زندگی خصوصی، تمامیت جسمانی و روانی، و حفاظت از اطلاعات شخصی را برشمرده است (متین‌دفتری، بی‌تا، ص ۱۱۳). این نسبیت در فقه اسلامی نیز دیده می‌شود، جایی که قواعدی مانند منع تجسس و حفظ حرمت خانه (سوره حجرات، آیه ۱۲؛ سوره نور، آیه ۲۷) بر اساس عرف و مصلحت، قلمرو حریم خصوصی را تعیین می‌کنند. بنابراین، حریم خصوصی در سیاست جنایی اسلامی قلمرویی است که نوعاً، عرفاً، یا با اعلان قبلی، انتظار می‌رود دیگران بدون رضایت فرد در آن مداخله نکنند، و این مفهوم با عقلانیت فقهی و کرامت انسانی مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر (ماده ۱۲) هم‌خوانی دارد (انصاری، ۱۳۸۶، ص ۳۸).

سیاست جنایی اسلامی

سیاست جنایی اسلامی، به معنای مجموعه راهبردها و اقدامات برای پیشگیری و پاسخ‌دهی به جرایم، ریشه در عقلانیت فقهی و مقاصد شریعت دارد. نجفی ابرنآبادی و هاشم‌بیگی (۱۳۹۰) سیاست جنایی را فرایندی کل‌نگر تعریف می‌کنند که شامل قانون‌گذاری، اجرا، و نظارت است. در چارچوب اسلامی، این سیاست با تکیه بر مقاصد شریعت (حفظ دین، نفس، نسل، عقل، مال) و قواعد فقهی (مانند درء، لاضرر، و منع تجسس) شکل گرفته است. نقش ولی فقیه در تنظیم احکام حکومتی بر اساس مصلحت، مداخله دولت را منضبط می‌کند. در حوزه خانواده، سیاست جنایی اسلامی به دو سطح کلان و خرد تقسیم می‌شود. **سیاست جنایی کلان** بر تنظیم قوانین و سیاست‌های عمومی (مانند قانون حمایت از خانواده ۱۳۹۱) تمرکز دارد، در حالی که **سیاست جنایی خرد** به پیشگیری و پاسخ‌دهی به جرایم خاص خانوادگی (مانند ترک انفاق یا خشونت خانگی) می‌پردازد. ویژگی بارز این سیاست، تأکید بر ابزارهای غیرکیفری است. برای مثال، ماده ۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ میانجی‌گری را به‌عنوان جایگزینی برای مجازات‌های سنتی ترویج می‌کند، که با فلسفه کیفرزدایی در فقه (مانند قاعده درء) هم‌خوانی دارد.

سیاست جنایی اسلامی در مقایسه با نظام‌های سکولار (مانند کانادا) از عقلانیت متفاوتی برخوردار است. در حالی که نظام‌های سکولار بر فردگرایی و حقوق فردی تأکید دارند، سیاست جنایی اسلامی تعادلی میان حقوق فردی و مصالح جمعی (مانند حفظ نسل) برقرار می‌کند. این تعادل، مداخله دولت در حریم خصوصی را به موارد ضروری محدود می‌کند.

مقاصد شریعت

مقاصد شریعت، به عنوان اصول بنیادین فقه اسلامی، مبنای نظری حمایت از حریم خصوصی خانواده را تشکیل می‌دهند. این مقاصد شامل حفظ دین، نفس، نسل، عقل، و مال است. در حوزه خانواده، حفظ نسل از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا خانواده بستری برای تربیت و بقای جامعه اسلامی است. محمدحسن نجفی در جواهر الکلام (ج ۴۱، ص ۳۱۲) حفظ نسل را نه تنها هدفی شرعی، بلکه ضرورتی عقلایی می‌داند که مداخله در حریم خصوصی را محدود می‌کند.

حریم خصوصی خانواده، اگرچه به صراحت در مقاصد شریعت ذکر نشده، به صورت ضمنی در حفظ نسل و کرامت انسانی (حفظ نفس) نهفته است. برای Ascending (۲۰۰۱) حریم خصوصی را مقصدی مستقل در کنار مقاصد شریعت پیشنهاد می‌کند، که با آیات قرآنی (حجرات: ۱۲) و روایات (وسائل الشیعه، ج ۱۲) هم‌خوانی دارد. این دیدگاه، حریم خصوصی را به عنوان پیش‌نیازی برای تحقق سایر مقاصد، به ویژه حفظ نسل و عقل، تبیین می‌کند.

قواعد فقهی مانند لاضرر (لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام) و منع تجسس، مقاصد شریعت را در عمل پیاده‌سازی می‌کنند. برای مثال، قاعده لاضرر (وسائل الشیعه، ج ۱۹، ص ۱۵۳) هرگونه ضرر به حریم خصوصی را ممنوع می‌داند، که در ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی (جرم‌انگاری افشای اسرار) بازتاب یافته است. این قواعد، تعادل میان مصالح عمومی و حقوق فردی را تضمین می‌کنند.





تحلیل تطبیقی

برای درک بهتر، مقایسه با نظام حقوقی کانادا مفید است. در کانادا، قانون منشور حقوق (بخش ۸) حریم خصوصی را در برابر جست‌وجوی غیرمنطقی دولت محافظت می‌کند. در پرونده *R. v. Tessling* (۲۰۰۴)، دیوان عالی کانادا تأکید کرد که حریم خصوصی منزل تنها در صورت وجود دلایل قوی نقض می‌شود. سیاست جنایی اسلامی، با تکیه بر قاعده منع تجسس و اصل عدم ولایت، چارچوبی مشابه ارائه می‌دهد، اما با ریشه‌ای شرعی که بر کرامت ذاتی انسان تأکید دارد.

بنابراین مبانی نظری این پژوهش، حریم خصوصی را به عنوان قلمرویی فطری و شرعی تعریف می‌کند که در سیاست جنایی اسلامی، با تکیه بر مقاصد شریعت قاعده تسلیط و عقلانیت فقهی، از حمایت ویژه‌ای برخوردار است. سیاست جنایی اسلامی، با تأکید بر ابزارهای غیرکیفری و محدودسازی مداخله دولت، چارچوبی عقلانی برای صیانت از حریم خصوصی خانواده ارائه می‌دهد. مقاصد شریعت، به‌ویژه حفظ نسل، این چارچوب را تقویت می‌کنند. این مبانی، پایه‌ای برای تحلیل مبانی فقهی و راهبردهای حمایتی در بخش‌های بعدی فراهم می‌کنند.

مبانی فقهی حمایت از حریم خصوصی

این بحث با هدف تبیین مبانی فقهی حمایت از حریم خصوصی، اصول کلان (مصلحت عامه، سیره عقلا، اصل عدم ولایت) و قواعد خاص (منع تجسس، قاعده فراش، قاعده درء) را تحلیل می‌کند. این مبانی، چارچوبی عقلانی برای صیانت از حریم خصوصی خانواده ارائه می‌دهند که با نیازهای معاصر و نظام حقوقی ایران هم‌خوانی دارد. حمایت از حریم خصوصی خانواده در سیاست جنایی اسلامی بر مبانی فقهی زیراستوار است:

۱. مصلحت عامه

مصلحت عامه، به معنای جلب منفعت و دفع مفسده، یکی از اصول بنیادین فقه اسلامی

است که مداخله دولت در حریم خصوصی را تنظیم می‌کند. این اصل، که ریشه در مقاصد شریعت (حفظ دین، نفس، نسل، عقل، مال) دارد، تنها در صورتی مداخله را مشروع می‌داند که ضرورتی عقلایی یا شرعی آن را توجیه کند. محمدحسن نجفی در جواهر الکلام (ج ۲۱، ص ۴۰۵) مصلحت عامه را مبنای جرم‌انگاری در حوزه عمومی می‌داند، اما تأکید می‌کند که در حوزه خصوصی، مانند خانواده، این مداخله باید حداقلی باشد.

در سیاست جنایی اسلامی، مصلحت عامه حفظ حیات جمعی خانواده را اولویت می‌دهد. برای مثال، جرم‌انگاری خشونت خانگی (ماده ۱۱۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲) به منظور حفظ نظم عمومی و حمایت از قربانیان توجیه می‌شود، اما این مداخله نباید به نقض گسترده حریم خصوصی منجر شود. شیخ طوسی در المبسوط (ج ۷، ص ۱۲۳) استدلال می‌کند که مصلحت عامه، در صورت تعارض با حقوق فردی، باید با رعایت اصل تناسب اعمال شود. این دیدگاه، در ماده ۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ بازتاب یافته است که میانجی‌گری را به عنوان راهکاری غیرکیفری برای حفظ حریم خصوصی ترویج می‌کند.

۲. سیره عقلا

سیره عقلا، به عنوان مبنایی عقلایی در فقه، حفظ حریم خصوصی را نیازی فطری و عقلانی تأیید می‌کند. این اصل، که مبتنی بر رفتار عقلای جامعه در شرایط مشابه است، مداخله دولت را به مواردی محدود می‌کند که ضرورتی عقلایی آن را توجیه کند. شیخ حرعاملی در وسائل الشیعه (ج ۱۲، ص ۲۴۷) روایاتی را نقل می‌کند که حفظ اسرار خانوادگی را امری عقلایی و شرعی می‌دانند. برای مثال، نهی از افشای امور خصوصی زوجین در فقه، ریشه در سیره عقلا دارد.

در نظام حقوقی ایران، سیره عقلا در جرم‌انگاری افشای اسرار (ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی) بازتاب یافته است. این ماده، که افشای اطلاعات خصوصی را تا یک سال حبس مجازات می‌کند، نشان‌دهنده انطباق فقه با عقلانیت معاصر است. در مقایسه، نظام حقوقی کانادا نیز در قانون حفاظت از اطلاعات شخصی (PIPEDA, 2000) حریم اطلاعاتی را حمایت



می‌کند، که مشابهت سیره عقلا با اصول حقوقی مدرن را نشان می‌دهد.

۳. اصل عدم ولایت

اصل عدم ولایت به عنوان یکی از اصول عقلانی و شرعی که براساس حدیث «الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم» شکل گرفته در فقه امامیه پیشینه ای طولانی دارد (بحرالعلوم، ۱۴۰۳ق، ص ۲۱۴؛ خمینی، ص ۳۲۲، علامه حلی، بی تا، ۵۸۹؛ فخرالمحققین، ۱۳۸۷، ص ۵۰۹، فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ص ۶۱، طباطبایی، ۱۴۱۹ق، ص ۹۷، نراقی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۳۹) بیان می‌کند که هیچ‌کس بر دیگری تسلط ندارد، مگر با اذن شرعی یا قانونی. این اصل، در حوزه خانواده، مداخله دولت را در حریم خصوصی غیرمشروع می‌داند، مگر در مواردی که مصلحت عامه یا حقوق قربانیان ایجاب کند. نجفی در جواهر الکلام (ج ۲۵، ص ۳۱۲) این اصل را مبنای محدودسازی جرم‌انگاری در دعاوی خصوصی می‌داند.

در نظام حقوقی ایران، اصل عدم ولایت در دعاوی خانوادگی، مانند ترک انفاق (ماده ۵۳ قانون حمایت از خانواده ۱۳۹۱)، به صورت مشروط اعمال می‌شود. برای مثال، اثبات عمدی بودن ترک انفاق پیش‌نیاز جرم‌انگاری است، که از مداخله بی‌مورد دولت جلوگیری می‌کند. این اصل، با تأکید بر خودمختاری خانواده، چارچوبی عقلانی برای سیاست جنایی خردارائه می‌دهد.

۴. قواعد فقهی

قواعد فقهی، به عنوان ابزارهای عملیاتی فقه، نقش کلیدی در حمایت از حریم خصوصی خانواده ایفا می‌کنند. سه قاعده اصلی در این پژوهش تحلیل می‌شوند:

۴-۱- منع تجسس

قاعده منع تجسس، مبتنی بر آیه ۱۲ سوره حجرات («ولا تجسسوا»)، کنکاش در امور خصوصی را نهی می‌کند. این قاعده، که در روایات متعدد (وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۴۵) تأیید شده، دولت را از ورود بی‌مورد به حریم خصوصی خانواده بازمی‌دارد. برای مثال، شنود مکالمات

یا بازرسی منزل بدون مجوز شرعی یا قانونی، طبق این قاعده ممنوع است.

در نظام حقوقی ایران، ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی افشای اسرار را جرم‌انگاری کرده و ماده ۵۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری نظارت بر مکالمات را به مجوز قضایی محدود می‌کند. این قوانین، انطباق قاعده منع تجسس با نیازهای معاصر را نشان می‌دهند. در پرونده R. v. Duarte (۱۹۹۰) در کانادا، دیوان عالی تأکید کرد که شنود بدون مجوز نقض حریم خصوصی است، که مشابهت این قاعده با اصول حقوقی مدرن را تأیید می‌کند.

۲-۴- قاعده فراش

قاعده فراش، که بر اساس حدیث «الولد للفراش» شکل گرفته، فرزند را به شوهر نسبت می‌دهد و از مداخله در دعاوی نسب جلوگیری می‌کند. این قاعده، که در وسائل الشیعه (ج ۲۰، ص ۱۵۶) نقل شده، با حفظ اسرار خانوادگی، حریم خصوصی را صیانت می‌کند. برای مثال، در دعاوی انکار نسب، قاعده فراش اولویت را به حفظ ساختار خانواده می‌دهد.

در نظام حقوقی ایران، ماده ۱۱۵۸ قانون مدنی قاعده فراش را در نسبت دادن فرزند به پدر تأیید می‌کند. این ماده، با جلوگیری از افشای اسرار خانوادگی، از مداخله قضایی غیرضروری در حریم خصوصی جلوگیری می‌کند. قاعده فراش، به‌ویژه در دعاوی خانوادگی، نقش کیفرزدایی دارد و با عقلانیت فقهی هم‌خوانی دارد.

۳-۴- قاعده درء

قاعده درء، مبتنی بر حدیث «ادرئوا الحدود بالشبهات»، اجرای حدود را در صورت وجود شبهه متوقف می‌کند. این قاعده، که در جواهر الکلام (ج ۴۱، ص ۴۸۷) تحلیل شده، از جرم‌انگاری بی‌مورد در دعاوی خانوادگی جلوگیری می‌کند. برای مثال، در دعاوی ترک انفاق، شبهه در توانایی مالی متهم می‌تواند مانع مجازات شود.

در نظام حقوقی ایران، ماده ۱۲۰ قانون مجازات اسلامی قاعده درء را در قالب اصل براءت پیاده‌سازی کرده است. این ماده، در دعاوی خانوادگی، با کاهش جرم‌انگاری، حریم خصوصی





را حفظ می‌کند. حسن پور (۱۳۹۶) استدلال می‌کند که قاعده درء، با تأکید بر کیفرزدایی، چارچوبی عقلانی برای سیاست جنایی خرد ارائه می‌دهد.

مبانی فقهی فوق، به صورت یکپارچه، چارچوبی عقلانی برای حمایت از حریم خصوصی خانواده ارائه می‌دهند. مصلحت عامه و سیره عقلا، به عنوان اصول کلان، مداخله دولت را به موارد ضروری محدود می‌کنند، در حالی که اصل عدم ولایت خودمختاری خانواده را تضمین می‌کند. قواعد منع تجسس، فراش، و درء، به عنوان ابزارهای عملیاتی، این اصول را در دعاوی خانوادگی پیاده‌سازی می‌کنند. برای مثال، در پرونده‌ای فرضی از خشونت خانگی، قاعده منع تجسس از شنود غیرقانونی جلوگیری می‌کند، قاعده فراش از افشای اسرار خانوادگی محافظت می‌کند، و قاعده درء با توقف مجازات در صورت شبهه، از فروپاشی خانواده ممانعت می‌کند.

مبانی فقهی حمایت از راهبردهای حمایتی در سیاست جنایی اسلامی

سیاست جنایی اسلامی، با تکیه بر عقلانیت فقهی و قواعد شرعی، راهبردهای عملی برای حمایت از حریم خصوصی ارائه می‌دهد که مداخله دولت را به حداقل رسانده و خودمختاری خانواده را تقویت می‌کند. این بخش، راهبردهای حمایتی سیاست جنایی اسلامی، شامل قواعد فقهی (منع تجسس، قاعده فراش، قاعده درء، قاعده تسلیط)، ابزارهای حقوقی (حفظ حرمت خانه)، و سازوکارهای غیرکیفری (میانجی‌گری، داوری خانوادگی، و مجازات‌های جایگزین) را تحلیل می‌کند. این راهبردها، با انطباق بر نظام حقوقی ایران و نیازهای معاصر، چارچوبی عقلانی برای صیانت از حریم خصوصی خانواده فراهم می‌کنند.

۱. حفظ حرمت خانه

حفظ حرمت خانه، به عنوان یکی از ابعاد حریم خصوصی مکانی، ریشه در آیه ۲۷ سوره نور («لا تدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم حتی تستأنسوا») دارد. این آیه، ورود بدون اجازه به منزل را نهی کرده و بر صیانت از حریم خانواده تأکید دارد. شیخ حرعاملی در وسائل الشیعه (ج ۱۲، ص ۲۴۷) روایاتی را نقل می‌کند که ورود غیرمجاز به منزل را حرام می‌دانند. در سیاست جنایی اسلامی،

این اصل از تعرض دولت یا اشخاص به حریم مکانی خانواده جلوگیری می‌کند.

در نظام حقوقی ایران، ماده ۶۹۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ورود غیرمجاز به منزل را تا یک سال حبس مجازات می‌کند. این ماده، که ریشه در فقه اسلامی دارد، از حریم خصوصی خانواده در برابر تعرضات خارجی حمایت می‌کند. برای مثال، در پرونده‌های کیفری، بازرسی منزل بدون مجوز قضایی (ماده ۵۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری) غیرقانونی است. اصل برائت، که در ماده ۱۲۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ذکر شده، با قاعده فقهی «الأصل براءة الذمة» هم‌خوانی دارد و از مداخله بی‌مورد در حریم خصوصی جلوگیری می‌کند.

در مقایسه، نظام حقوقی کانادا در پرونده R. v. Collins (1987) تأکید کرد که بازرسی منزل بدون مجوز نقض حریم خصوصی است، که مشابهت این راهبرد با اصول حقوقی مدرن را نشان می‌دهد. این انطباق، پتانسیل سیاست جنایی اسلامی برای رقابت با نظام‌های حقوقی معاصر را برجسته می‌کند.

۲. میانجی‌گری و داوری خانوادگی

سیاست جنایی اسلامی، با تأکید بر ابزارهای غیرکیفری، میانجی‌گری و داوری خانوادگی را به‌عنوان راهبردهای کلیدی برای حمایت از حریم خصوصی ترویج می‌کند. ماده ۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ میانجی‌گری را به‌عنوان جایگزینی برای مجازات‌های سنتی در جرایم سبک، از جمله جرایم خانوادگی، پیش‌بینی کرده است. نجفی ابرندآبادی و هاشم‌بیگی (۱۳۹۰) استدلال می‌کنند که میانجی‌گری، با حل‌وفصل اختلافات در محیطی غیررسمی، از نقض حریم خصوصی و فروپاشی خانواده جلوگیری می‌کند. در فقه اسلامی، داوری خانوادگی تحت نظارت حاکم اسلامی در مواردی مانند نکاح یا طلاق سابقه دارد (بلغه الفقیه، ج ۳، ص ۲۱۵).

برای مثال، در پرونده‌ای از خشونت خانگی سبک، میانجی‌گری یا داوری خانوادگی تحت نظارت قضات شرعی می‌تواند زوجین را به توافق برساند بدون نیاز به محاکمه عمومی، که حریم خصوصی را حفظ می‌کند. این رویکرد، با قاعده سمحه و توبه در فقه هم‌خوانی دارد.





۳. مجازات‌های جایگزین

مجازات‌های جایگزین، مانند خدمات عمومی یا مشاوره خانوادگی (ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی)، نیز با کاهش حبس، به حفظ ساختار خانواده کمک می‌کنند. این راهبردها، که ریشه در قواعد فقهی مانند سمحه و توبه دارند، با عقلانیت معاصر هم‌خوانی دارند. برای مثال، در دعاوی ترک انفاق، مشاوره خانوادگی اجباری می‌تواند جایگزین حبس شود و روابط خانوادگی را بازسازی کند.

در مقایسه، نظام حقوقی کانادا نیز از میانجی‌گری و برنامه‌های عدالت ترمیمی در جرایم خانوادگی استفاده می‌کند، اما فاقد چارچوب شرعی است. سیاست جنایی اسلامی، با تلفیق فقه و ابزارهای مدرن، چارچوبی جامع ارائه می‌دهد که هم حریم خصوصی را حفظ می‌کند و هم عدالت را تأمین می‌کند.

۴. نقش مددکاران اجتماعی

برای جمع‌آوری شواهد در دعاوی خانوادگی با رعایت قاعده منع تجسس، استفاده از مددکاران اجتماعی آموزش‌دیده تحت نظارت قضات شرعی پیشنهاد می‌شود. این مددکاران می‌توانند گزارش‌های عینی ارائه دهند بدون اینکه حریم خصوصی نقض شود (سند، ص ۴۱). این راهبرد، با نقش کارشناسان در تشخیص مصلحت هم‌خوانی دارد.

راهبردهای حمایتی سیاست جنایی اسلامی، به صورت یکپارچه، چارچوبی عقلانی برای صیانت از حریم خصوصی خانواده ارائه می‌دهند. قاعده منع تجسس و حفظ حرمت خانه، حریم اطلاعاتی و مکانی را حفظ می‌کنند، در حالی که قاعده فراش و درء با کیفرزدایی، از مداخله قضایی غیرضروری جلوگیری می‌کنند. میانجی‌گری، داوری خانوادگی، و مجازات‌های جایگزین، با ترویج راه‌حل‌های غیررسمی، تعادل میان مصالح عمومی و حقوق فردی را برقرار می‌سازند. این راهبردها، با انطباق بر قوانین ایران (مواد ۶۴۸، ۶۹۴، ۱۲۰، ۷۹) و نیازهای معاصر، پتانسیل رقابت با نظام‌های حقوقی مدرن را دارند.

برای مثال، در پرونده‌ای فرضی از خشونت خانگی، قاعده منع تجسس از شنود غیرقانونی

جلوگیری می‌کند، ماده ۶۹۴ از بازرسی غیرمجاز منزل ممانعت می‌کند، قاعده درء مجازات را در صورت شبهه متوقف می‌کند، و میانجی‌گری یا داوری خانوادگی اختلاف را بدون نقض حریم خصوصی حل می‌کند. این چارچوب، با ریشه‌های شرعی و عقلانی، عدالت و کرامت انسانی را در نهاد خانواده تأمین می‌کند.

راهبردهای حمایتی سیاست جنایی اسلامی، شامل منع تجسس، حفظ حرمت خانه، قاعده فراش، قاعده درء، و میانجی‌گری، چارچوبی جامع برای حمایت از حریم خصوصی خانواده ارائه می‌دهند. این راهبردها، با تکیه بر عقلانیت فقهی و انطباق با قوانین ایران، مداخله دولت را به حداقل رسانده و خودمختاری خانواده را تقویت می‌کنند. مقایسه با نظام‌های حقوقی مانند کانادا نشان می‌دهد که سیاست جنایی اسلامی، با تلفیق فقه و ابزارهای مدرن، پتانسیل ارائه چارچوبی رقابتی و عادلانه را دارد. این چارچوب، پایه‌ای برای تحلیل چالش‌ها و پیشنهادها در بخش بعدی فراهم می‌کند.

سیاست جنایی اسلامی، با تکیه بر مبانی فقهی و راهبردهای حمایتی مانند منع تجسس، قاعده فراش، قاعده درء، و میانجی‌گری، چارچوبی عقلانی برای صیانت از حریم خصوصی خانواده ارائه می‌دهد. با این حال، اجرای این راهبردها با چالش‌های نظری و عملی متعددی مواجه است که می‌توانند اثربخشی سیاست جنایی را کاهش دهند. این بخش، با تحلیل چالش‌های کلیدی، از جمله تعارض میان حریم خصوصی و حمایت از قربانیان، ابهام در حدود ضرورت مداخله دولت، و ضعف زیرساخت‌های غیرکیفری، پیشنهادهای سیاستی عملی برای رفع این موانع ارائه می‌دهد. این پیشنهادها، با تلفیق مبانی فقهی و نیازهای معاصر، به تقویت نظام حقوقی ایران در حوزه زن و خانواده کمک می‌کنند.

چالش‌ها

۱. تعارض میان حریم خصوصی و حمایت از قربانیان

یکی از مهم‌ترین چالش‌های سیاست جنایی اسلامی در حوزه خانواده، تعارض میان حفظ حریم خصوصی و حمایت از قربانیان جرایم خانوادگی، مانند خشونت خانگی یا ترک انفاق،





است. قواعد فقهی مانند درء، که با توقف مجازات در صورت شبهه از جرم‌انگاری بی‌مورد جلوگیری می‌کند، ممکن است در مواردی حقوق قربانیان را تضعیف کند. برای مثال، در دعاوی خشونت خانگی، اثبات جرم به دلیل وقوع آن در محیط خصوصی دشوار است، و اعمال قاعده درء (ماده ۱۲۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲) می‌تواند به تبرئه متهم و تضییع حقوق قربانی منجر شود.

نجفی ابرندآبادی و هاشم‌بیگی (۱۳۹۰) استدلال می‌کنند که این تعارض، ریشه در ماهیت دوگانه سیاست جنایی اسلامی دارد که هم به حفظ حریم خصوصی و هم به تأمین عدالت متعهد است. این چالش، به‌ویژه در جرایمی که قربانیان آن (اغلب زنان یا کودکان) از نظر اجتماعی یا اقتصادی آسیب‌پذیر هستند، پررنگ‌تر می‌شود. برای مثال، ماده ۱۱۲ قانون مجازات اسلامی جرم‌انگاری خشونت خانگی را پیش‌بینی کرده، اما فقدان شواهد کافی در محیط خصوصی گاه اجرای آن را مختل می‌کند.

۲. ابهام در حدود ضرورت مداخله دولت

مصلحت عامه، به‌عنوان مبنای مداخله دولت در حریم خصوصی، گاه به تفاسیر متفاوتی منجر می‌شود که می‌تواند مداخله را غیرمنضبط کند. محمدحسن نجفی در *جواهرالکلام* (ج ۲۱، ص ۴۰۵) تأکید می‌کند که مصلحت عامه باید با معیارهای عقلایی و شرعی سنجیده شود، اما فقدان آیین‌نامه‌های دقیق برای تعیین حدود ضرورت، چالش‌ساز است. برای مثال، در دعاوی ترک انفاق (ماده ۵۳ قانون حمایت از خانواده ۱۳۹۱)، تشخیص اینکه آیا مداخله دولت ضروری است یا خیر، به قضاوت قضایی وابسته است، که می‌تواند به تصمیم‌گیری‌های ناسازگار منجر شود.

این ابهام، در مواردی که حریم خصوصی با نظم عمومی در تعارض است، پررنگ‌تر می‌شود. برای مثال، آیا نظارت بر مکالمات در پرونده‌های خشونت خانگی (ماده ۵۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری) توجیه‌پذیر است یا نقض قاعده منع تجسس محسوب می‌شود؟ این عدم شفافیت، اجرای راهبردهای حمایتی را دشوار می‌کند.

۳. ضعف زیرساخت‌های غیرکیفری

سیاست جنایی اسلامی بر ابزارهای غیرکیفری، مانند میانجی‌گری و مجازات‌های جایگزین، تأکید دارد، اما کمبود زیرساخت‌های اجرایی این راهبردها را محدود کرده است. ماده ۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ میانجی‌گری را ترویج می‌کند، اما فقدان نهادهای تخصصی داوری خانوادگی و کمبود میانجی‌های آموزش‌دیده، اجرای آن را با مشکل مواجه کرده است. حسن‌پور (۱۳۹۶) اشاره می‌کند که ضعف زیرساخت‌های غیرکیفری، به‌ویژه در مناطق کمتر توسعه‌یافته، باعث تکیه بیش از حد بر مجازات‌های کیفری، مانند حبس، می‌شود که حریم خصوصی خانواده را نقض می‌کند.

برای مثال، در پرونده‌های خشونت خانگی سبک، نبود مراکز میانجی‌گری محلی می‌تواند قاضی را به صدور حکم حبس سوق دهد، که نه تنها حریم خصوصی را نقض می‌کند، بلکه ممکن است به فروپاشی خانواده منجر شود. این چالش، با کمبود آموزش قضات در تطبیق قواعد فقهی با نیازهای معاصر تشدید می‌شود.

پیشنهادهای

۱. تدوین آیین‌نامه‌های دقیق برای نظارت بر مداخلات دولتی

برای رفع ابهام در حدود ضرورت مداخله دولت، پیشنهاد می‌شود آیین‌نامه‌های جامعی تدوین شود که معیارهای عقلایی و شرعی برای مداخله در حریم خصوصی را مشخص کند. این آیین‌نامه‌ها باید شامل دستورالعمل‌هایی برای اعمال مصلحت عامه، نظارت بر مکالمات (ماده ۵۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری)، و بازرسی منزل (ماده ۵۸۰) باشند. شیخ طوسی در *المبسوط* (ج ۷، ص ۱۲۳) تأکید می‌کند که مداخله دولت باید با رعایت اصل تناسب باشد، که این آیین‌نامه‌ها می‌توانند آن را عملیاتی کنند.

برای مثال، آیین‌نامه‌ای می‌تواند مشخص کند که نظارت بر مکالمات تنها در صورتی مجاز است که شواهد اولیه‌ای از جرم سنگین (مانند خشونت شدید) وجود داشته باشد. این رویکرد، با قاعده منع تجسس هم‌خوانی دارد و از مداخله غیرمنضبط جلوگیری می‌کند.





۲. تقویت داوری خانوادگی و میانجی‌گری

برای رفع ضعف زیرساخت‌های غیرکیفری، پیشنهاد می‌شود نهادهای داوری خانوادگی و میانجی‌گری، به‌ویژه در مناطق کمتر توسعه‌یافته، تقویت شوند. ماده ۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری می‌تواند با تخصیص بودجه و ایجاد مراکز محلی میانجی‌گری گسترش یابد. این مراکز باید میانجی‌های آموزش‌دیده‌ای داشته باشند که با قواعد فقهی (مانند سمحه و توبه) و تکنیک‌های مدرن حل اختلاف آشنا باشند.

برای مثال، در پرونده‌ای از خشونت خانگی سبک، مرکز داوری خانوادگی می‌تواند زوجین را به مشاوره و توافق هدایت کند، که هم حریم خصوصی را حفظ می‌کند و هم از فروپاشی خانواده جلوگیری می‌کند. این پیشنهاد، با تأکید سیاست جنایی اسلامی بر کیفرزدایی هم‌خوانی دارد.

۳. توسعه مجازات‌های جایگزین

مجازات‌های جایگزین، مانند خدمات عمومی یا مشاوره خانوادگی (ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی)، باید برای جرایم خانوادگی سبک گسترش یابند. پیشنهاد می‌شود برنامه‌های مشاوره خانوادگی اجباری برای جرایمی مانند ترک انفاق یا خشونت خانگی سبک طراحی شود. این برنامه‌ها، با کاهش تکیه بر حبس، حریم خصوصی را حفظ کرده و به بازسازی روابط خانوادگی کمک می‌کنند.

برای مثال، در پرونده‌ای از ترک انفاق، به جای حبس، متهم می‌تواند به شرکت در جلسات مشاوره خانوادگی ملزم شود، که هم عدالت را تأمین می‌کند و هم ساختار خانواده را حفظ می‌کند. این پیشنهاد، با قاعده درء و فلسفه کیفرزدایی در فقه هم‌خوانی دارد.

۴. آموزش قضات و کارگزاران قضایی

آموزش قضات و کارگزاران قضایی برای تطبیق قواعد فقهی با نیازهای معاصر ضروری است. این آموزش‌ها باید شامل تحلیل قواعد فقهی (منع تجسس، فراش، درء) و کاربرد آن‌ها در دعاوی خانوادگی باشد. برای مثال، قضات باید آموزش ببینند که چگونه قاعده درء را در دعاوی

خشونت خانگی اعمال کنند بدون اینکه حقوق قربانیان تضییع شود.

نجفی ابرندآبادی (۱۳۹۰) تأکید می‌کند که آموزش قضایی می‌تواند انسجام در اجرای سیاست جنایی را افزایش دهد. پیشنهاد می‌شود برنامه‌های آموزشی منظمی در قوه قضائیه برگزار شود که با همکاری فقها و حقوق دانان، چارچوبی عملی برای دعاوی خانوادگی ارائه دهد.

۵. بازنگری تقنینی برای حمایت از قربانیان

برای رفع تعارض میان حریم خصوصی و حمایت از قربانیان، پیشنهاد می‌شود قوانین مربوط به جرایم خانوادگی، مانند ماده ۱۱۲ قانون مجازات اسلامی، بازنگری شوند تا سازوکارهای حمایتی برای قربانیان تقویت شود. برای مثال، ایجاد صندوق‌های حمایتی برای قربانیان خشونت خانگی یا تسهیل دسترسی به مشاوره حقوقی می‌تواند حقوق قربانیان را بدون نقض حریم خصوصی تأمین کند. همچنین، می‌توان سازوکارهایی برای جمع‌آوری شواهد در محیط خصوصی طراحی کرد که با قاعده منع تجسس سازگار باشد، مانند استفاده از گزارش‌های مددکاران اجتماعی آموزش دیده. این رویکرد، تعادل میان عدالت و حریم خصوصی را بهبود می‌بخشد.

چالش‌های مطرح شده، از جمله تعارض حریم خصوصی و حمایت از قربانیان، ابهام در حدود ضرورت، و ضعف زیرساخت‌های گیرکفیری، نشان‌دهنده نیاز به بازنگری نظری و عملی در سیاست جنایی اسلامی است. پیشنهادها ارائه شده، با تکیه بر عقلانیت فقهی و انطباق با نظام حقوقی ایران، این چالش‌ها را هدف قرار می‌دهند. تدوین آیین‌نامه‌های دقیق و تقویت داوری خانوادگی، مداخله دولت را منضبط می‌کند، در حالی که توسعه مجازات‌های جایگزین و آموزش قضات، راهبردهای گیرکفیری را عملیاتی می‌سازد. بازنگری تقنینی، با تقویت حمایت از قربانیان، تعادل میان مصالح عمومی و حقوق فردی را برقرار می‌کند.

این پیشنهادها، با ریشه در قواعد فقهی مانند منع تجسس و درء، و با انطباق با قوانین ایران (مواد ۷۹، ۱۲۰، ۶۴۸)، چارچوبی عملی برای آینده سیاست جنایی اسلامی ارائه می‌دهند. مقایسه با نظام‌های حقوقی مانند کانادا، که از برنامه‌های عدالت ترمیمی و صندوق‌های





حمایتی استفاده می‌کند، نشان می‌دهد که این پیشنهادها پتانسیل رقابت با نظام‌های مدرن را دارند.

چالش‌های اجرای سیاست جنایی اسلامی در حمایت از حریم خصوصی خانواده، شامل تعارض با حمایت از قربانیان، ابهام در حدود ضرورت، و ضعف زیرساخت‌های غیرکیفری، نیازمند راه‌حل‌های سیاستی عملی هستند. پیشنهادهایی مانند تدوین آیین‌نامه‌های دقیق، تقویت داوری خانوادگی، توسعه مجازات‌های جایگزین، آموزش قضات، و بازنگری تقنینی، این چالش‌ها را هدف قرار داده و چارچوبی عقلانی برای صیانت از حریم خصوصی ارائه می‌دهند. این پیشنهادها، با تلفیق مبانی فقهی و نیازهای معاصر، به تقویت نظام حقوقی ایران در حوزه زن و خانواده کمک می‌کنند و پایه‌ای برای جمع‌بندی نهایی در بخش بعدی فراهم می‌کنند.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف تبیین مبانی فقهی و راهبردهای حمایتی حریم خصوصی خانواده در سیاست جنایی اسلامی، چارچوبی کل‌نگر و عقلانی ارائه داد که ریشه در مقاصد شریعت و عقلانیت فقهی دارد. حریم خصوصی به‌عنوان قلمرویی فطری و شرعی، در نظام حقوقی اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد و با تأکید بر تعادل میان مصالح عمومی و حقوق فردی، مداخله دولت را به موارد ضروری محدود می‌کند. مبانی نظری این پژوهش، شامل مفهوم حریم خصوصی، سیاست جنایی اسلامی، و مقاصد شریعت به‌ویژه حفظ نسل، پایه‌ای محکم برای تحلیل فراهم کردند. این مبانی نشان دادند که نظام حقوقی اسلامی با تکیه بر اصول کرامت انسانی و قداست خانواده، می‌تواند چارچوبی عادلانه برای حمایت از حریم خصوصی ارائه دهد، در حالی که پاسخگوی نیازهای معاصر است.

مبانی فقهی، شامل مصلحت عامه، سیره عقلا، اصل عدم ولایت، قاعده تسلیط، و قواعد منع تجسس، فراش، و درء، چارچوبی عقلانی برای صیانت از حریم خصوصی خانواده ایجاد کردند. این قواعد با تضمین خودمختاری خانواده، جرم‌انگاری را محدود کرده و کیفرزدایی را ترویج می‌دهند. راهبردهای حمایتی، شامل منع کنکاش در امور خصوصی، حفظ حرمت خانه،

استفاده از قواعد فقهی مانند فراش و درء، و ترویج میانجی‌گری و داوری خانوادگی، این مبانی را در عمل پیاده‌سازی کردند. این راهبردها با انطباق بر نظام حقوقی ایران و نیازهای امروزی، توانایی رقابت با نظام‌های حقوقی مدرن مانند کانادا را نشان دادند، که در آن‌ها مداخله دولت در حریم خصوصی خانواده به حداقل می‌رسد. با این حال، چالش‌هایی مانند تعارض میان حریم خصوصی و حمایت از قربانیان، ابهام در حدود ضرورت مداخله دولت، و کمبود زیرساخت‌های غیرکیفری، اجرای این راهبردها را دشوار کرده‌اند.

نوآوری این پژوهش در ارائه چارچوبی کل‌نگر برای حمایت از حریم خصوصی در سیاست جنایی خرد، تلفیق قواعد فقهی کمتر بررسی‌شده مانند تسلیط و فراش با ابزارهای مدرن مانند داوری خانوادگی، و تحلیل تطبیقی با نظام‌های حقوقی مدرن است که جذابیت آن را برای مخاطبان بین‌المللی افزایش می‌دهد. پیشنهادهای سیاستی شامل تدوین آیین‌نامه‌های دقیق تحت نظارت ولی فقیه، تقویت داوری خانوادگی، توسعه مجازات‌های جایگزین، آموزش قضات، و بازنگری تقنینی، به رفع این چالش‌ها کمک می‌کنند. برای تحقیقات آتی، بررسی تجربی تأثیر راهبردهای غیرکیفری مانند داوری خانوادگی بر کاهش جرایم خانوادگی، تحلیل تطبیقی عمیق‌تر با نظام‌های حقوقی دیگر، و مطالعه تأثیر فناوری‌های نظارتی بر حریم خصوصی با رعایت قواعد شرعی پیشنهاد می‌شود. این پژوهش، به‌عنوان نقطه شروعی برای سیاست‌گذاری در حوزه زن و خانواده، می‌تواند به تحقق عدالت و کرامت انسانی در نظام حقوقی اسلامی کمک کند.





منابع

• قرآن کریم

۱. ابن منظور. (۱۴۲۱ هجری قمری). لسان العرب، جلد دوازدهم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲. اعلامیه جهانی حقوق بشر. (۱۹۴۸). سازمان ملل متحد.
۳. انصاری، باقر. (۱۳۸۶). حقوق حریم خصوصی. تهران: انتشارات سمت.
۴. بحرانی، یوسف. (۱۴۱۵ هجری قمری). الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، جلد پنجم. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۵. بحر العلوم، محمد. (۱۴۰۳ هجری قمری). بلغة الفقيه، جلد سوم، چاپ چهارم. تهران: منشورات مکتبه الصادق.
۶. حسن پور، سمانه. (۱۳۹۶). بررسی رویکرد قانونگذار به قواعد فقه جزایی در قانون مجازات اسلامی (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه تهران.
۷. حیدری، علی. (۱۳۹۰). تحلیل قاعده درء در فقه جزایی. مجله فقه و حقوق اسلامی، شماره ۸، جلد سوم، صفحه‌های ۲۳ تا ۴۰.
۸. خمینی، روح‌الله. (بی‌تا). تحریر الوسیله، جلد‌های اول و دوم. قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم.
۹. خمینی، روح‌الله. (۱۴۲۱ق). کتاب البیع، جلد چهارم. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۰. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۳). لغت‌نامه دهخدا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. شیخ حر عاملی. (۱۴۰۹ هجری قمری). وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعة، جلد‌های دوازدهم، نوزدهم، و بیستم. قم: مؤسسه آل‌البیت.
۱۲. شیخ طوسی. (۱۴۰۰ هجری قمری). المبسوط فی فقه الإمامیة، جلد هفتم. قم: المکتبة المرتضویة.
۱۳. طباطبایی، سید علی. (۱۴۱۹ هجری قمری). ریاض المسائل، جلد یازدهم. قم: مؤسسه



آل البيت.

۱۴. علامه حلی. (۱۳۸۸ هجری قمری). تذکره الفقهاء، جلد اول. قم: مؤسسه آل البيت.

۱۵. فاضل هندی، محمد بن الحسن. (۱۴۱۶ هجری قمری). کشف اللثام، جلد هفتم. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۱۶. فخرالمحققین، محمد بن الحسن. (۱۳۸۷). ایضاح الفوائد، جلد چهارم. قم: مؤسسه اسماعیلیان.

۱۷. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. (۱۴۱۲ هجری قمری). القاموس المحيط. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۱۸. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲. (۱۳۹۲). تهران: انتشارات رسمی.

۱۹. قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱. (۱۳۹۱). تهران: انتشارات رسمی.

۲۰. قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴. (۱۳۱۴). تهران: انتشارات رسمی.

۲۱. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲. (۱۳۹۲). تهران: انتشارات رسمی.

۲۲. قانون حفاظت از اطلاعات شخصی (PIPEDA). (۲۰۰۰). کانادا.

۲۳. قانون منشور حقوق و آزادی‌های کانادا. (۱۹۸۲). کانادا.

۲۴. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ هجری قمری). بحار الانوار، جلد بیست و نهم. بیروت: مؤسسه الوفا.

۲۵. متین‌دفتری، احمد. (بی‌تا). حقوق بشر و حمایت بین‌المللی از آن. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۲۶. نجفی، محمدحسن. (۱۴۰۴ هجری قمری). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، جلد‌های بیست و یکم، بیست و پنجم، و چهل و یکم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۲۷. نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین، و هاشم‌بیگی، حمید. (۱۳۹۰). دانشنامه حقوق کیفری. تهران: گنج دانش.

۲۸. نراقی، ملا احمد. (۱۴۱۷ هجری قمری). مستند الشیعه، جلد شانزدهم. قم: مؤسسه آل البيت.



۲۹. هارلو، کامبیز سیدی. (۱۳۸۳). شبهه جرم. تهران: انتشارات میزان.
30. Ascending, L. (2001). Privacy as a constitutional right in Islamic law. *Journal of Islamic Law*, Volume 6, Issue 2, Pages 45–67.
31. R. v. Collins. (1987). پرونده دیوان عالی کانادا در مورد نقض حریم خصوصی به دلیل بازرسی منزل بدون مجوز.
32. R. v. Duarte. (1990). پرونده دیوان عالی کانادا در مورد نقض حریم خصوصی به دلیل شنود بدون مجوز.
33. R. v. Tessling. (2004). پرونده دیوان عالی کانادا در مورد حفاظت از حریم خصوصی منزل در برابر نقض غیرمنطق